

بایسته های اخلاق

مصاحبه: محمد صیدی

اشاره:

مقام معظم رهبری در سفر اخیرشان به قم، خطاب به طلاب فرمودند: «جوان امروز حوزه بیش از گذشته به مسئله تهذیب نیازمند است» از این رو، بر آن شدیم تا در مورد روش های اخلاقی - تربیتی، مصاحبه ای با جناب استاد حجت الاسلام والمسلمین موسوی شبستری، از اساتید حوزه های علمیه داشته باشیم. جلسات شرح اربعین ایشان، از فرصت هایی است که برای تعلیم و تربیت نفوس طلاب، ارزشمند و کارآمد است.

ارزیابی شما از وضعیت فعلی اخلاق در حوزه چیست؟
در حال حاضر، دغدغه اخلاق در حوزه علمیه بسیار زیاد است. اما اخلاق در حوزه فاقد نظام است؛ البته خرده نظامهایی وجود دارد ولی اینها در دسترس همه نیست؛ نظام اخلاقیِ حوزوی، هنوز رؤیت نمی شود؛ پیگیری طلبه ها هست؛ نفَس برخی از بزرگان هست، اما اینها کافی نیست.

روش رایج حوزه های علمیه در اخلاق و اشکالات آن چیست؟
از آنجا که اخلاق مربوط به امور نفسانی است، هرکس باید در درون خود به احیاء گزاره های اخلاقی بپردازد، اما یکی از چیزهایی که در حال حاضر در دسترس است، جلسات هفتگی تنبّه اخلاقی است. در همه حوزه ها وجود دارد، اما تأثیر آن کم است. این جلسات باید ثابت باشد تا مشکلات کمتر شود و آشنایی بیشتر اتفاق بیفتد و طلاب با استاد همراه تر شوند. اساتید اخلاق یک مدرسه، باید یک نفر یا حداکثر دو نفر باشند؛ چون گاهی تضاد پیش می آید یک نفر یک دستوری میدهد و نفر دیگر دستور دیگر. یکی می گوید: نماز شب بخوان و دیگری می گوید: نخوان. یکی می گوید: کم بخوان، دیگری می گوید زیاد بخوان و به این ترتیب تضادها پیش می آید.

در باره ضرورت اخلاق نظری، توضیح بفرمایید.
یکی از رشته های مهم حوزه، اخلاق نظری است که نیاز به مطالعه، پژوهش و بررسی جدی دارد. اخلاق قوی، علمیت قوی می خواهد، اطلاعات دقیق می خواهد. باید در حوزه، اخلاق نظری پیگیری دقیق بشود. این بحث در سطح عموم طلبه ها کم رنگ است. اخلاق نظری باید مثل بقیه درسها دارای کلاس رسمی باشد. اگر کسی در این درس ضعیف باشد، در حوزه عمل هم ضعیف است، باید پشتوانه علمی وجود داشته باشد. در حوزه، همه کارها باید دارای پشتوانه علمی باشد - که البته دارد - ولی همه باید به طور متوازن از پشتوانه علمی بهره مند شوند.

تفاوت اخلاق نظری با اخلاق عملی چیست؟
در اخلاق نظری، نقشه راه، باید و نبایدها و شناخت نفس حاصل میشود. راهکارهای رفع و دفع رذائل و کسب فضایل اخلاقی شناخته می شود؛ همه اینها را باید مستدل، علمی و مستند به آیات و روایات شناخت. ولی اخلاق عملی به کار بستن است. دستورالعملها را باید به کار بست؛ البته دستورالعملها لایه لایه است. برخی دستورالعملها عمومی است و برخی دیگر نسبت به افراد تفاوت میکند. البته اخلاق عملی اگر به نظارت فردی برسد، می شود اخلاق بالینی؛ یعنی استاد به صورت فردی، بر اخلاق طلبه نظارت داشته باشد.

درباره اخلاق بالینی بیشتر توضیح دهید.
اخلاق بالینی، رسیدگی شخص به شخص است مثل پزشک. آیا پزشک برای بیمارانی که سرما خورده اند همه را یکجا جمع میکند، برای همه سخنرانی میکند و به همه یک نسخه میدهد؟ خیر؛ چون بدنها با هم فرق میکند. در اخلاق بالینی هم همینطور است. در این جا استاد قواعد و اصول کلی را بر مصادیق تطبیق میکند. طلبه هم که راه را نمیشناسد، به استاد مراجعه میکند تا مشکل را بفهمد و اینکه بداند باید از کجا شروع کند. پس باید مشکلات را به طور بالینی تشخیص داد و به طور فردی راه حل ارائه کرد. ادعیه و روایات و کتب اخلاقی راههای مختلفی دارند، اما این که کدام یک برای من اولویت دارد و مفید است، باید با تشخیص استاد باشد.

آیا این روش آفت ندارد؟ مثلاً آفت مُرید و مراد بازی؟
همه جا آفت هست؛ در فقه، فلسفه، اصول و در اینجا هم آفت هست. باید آفت ها را بر طرف کرد و مراقب آفتها بود. اگر بخواهیم به خاطر آفت ها به کاری نپردازیم، باید به هیچکاری دست نزنیم. حتی علم توحید، اگر تحت نظر استاد واجد شرایط نباشد، آفت دارد. البته باید تذکر داد: اخلاق بالینی با صوفی بازی و مرید و مراد بازی فرق دارد.

آیا باید هر روز خدمت استاد رسید تا استاد او را ببیند؟

خیر، لازم نیست. یک یا دو بار در ماه کافی است؛ چون اخلاق انسان لحظه به لحظه که عوض نمیشود، بلکه به تدریج رشد میکند.

نسبت اخلاق با عرفان چیست؟

موضوع و مبنای این دو با یکدیگر تفاوت دارد. موضوع اخلاق، نفس و ملکات نفسانی است، ولی موضوع عرفان خداست. در اخلاق، بر اساس آیات و روایات، مبنا تربیت نفس است که منجر به اصلاح نفس و خوش اخلاق شدن انسان و تسلط بر رذائل اخلاقی و کسب فضایل میشود. ولی در عرفان نظری و عملی معرفت خدا حاصل میشود، آن هم البته مبتنی بر آیات و روایات و وحی است.

یعنی اخلاق مقدمه عرفان است؟

یکی از پیش نیازهای عرفان، اصلاح اخلاق است؛ چون اگر اخلاق درست نشود، راهی به معارف حقانی و الهی پیدا نمی شود.

چند مکتب اخلاقی وجود دارد؟

عَلَّامَه طباطبایی (ره) در جلد اول المیزان، سه مکتب اخلاقی را مطرح کرده اند؛ البته این یکی از تقسیم بندیهاست و تقسیم بندیهای دیگری هم وجود دارد. تقسیم بندی عَلَّامَه عبارتست از: مکتب عقل، مکتب انبیا و مکتب قرآن. چرا باید از رذایل پرهیز کنیم و مزین به فضایل شویم؟ یک پاسخ این است انسانی که در جامعه زندگی میکند، باید با جامعه ارتباط برقرار کند؛ این اقتضا میکند انسانها روشی داشته باشند تا برای دیگران آسیب زان نباشند. در اینجا عَقْل میگویند: انسان باید روشمند باشد و روابط سالم داشته باشد. انبیا (ع) میگویند: انسان فقط برای دنیا نیست، بلکه آخرتی هم دارد. ظهور روح و بدن آخرتی، موقوف به اخلاق است. ظهور اخروی انسان مهم است؛ چون ابدی است. آیات و روایات بسیاری به ظهور ملکات و اعمال توجه نموده که از آن تعبیر به «ثواب اعمال» میشود. ولی قرآن به این سؤال اینگونه پاسخ میدهد که چون خدا محور است، همه فضایل، کمالات و عزتها مربوط به خداست. انسان هر کاری میکند باید در خدمت خدا باشد و همه اینها را برای خدا ببیند؛ نه برای خود. در دو مکتب قبلی، انسان خوش نفس میشود ولی در این مکتب، گویا بینفس میشود؛ حق در انسان ظهور میکند و انسان حقانی میشود. در اینجا اخلاق سمت و سوی الهی دارد. باید حواسمان به این که در محضر خدا هستیم، باشد؛ نه این که به خود توجه کنیم. به این دلیل که در دنیا و آخرت خوشبخت شویم، اخلاق خود را نمیسازیم؛ بلکه به این جهت که خدا از ما راضی باشد؛ البته چون که صد آمد نود هم پیش ماست. مکتب قرآن، در حقیقت مکتبی اخلاقی عرفانی است که در بیانات حضرت امام (ره) هم آمده است. یعنی از اول طوری طراحی شده که انسان برای خدا اخلاق خود را درست میکند و نفس، زلال و شفاف میشود و همه وجودش خدایی شده و نفسانیت رخت بر میندند.

موانع رشد اخلاقی کدامند؟

1. عدم مقاومت در برابر مقدمات گناهان شرعی: نباید به مقدمات گناه نزدیک شد. انسان نه برای خودش و نه برای دیگران، نباید مقدمات گناه را فراهم کند، باید از مقدمات گناه بیدرنگ فرار کرد.
2. افراط و تفریط: افراط و تفریط در هر امری، مهمترین مانع است. در اصلاح اخلاق، در درس، در عبادت، سلامت جسمی و... دوازده ساعت در شبانه روز درس خواندن فضیلت نیست؛ زیرا در این صورت، انسان دچار مشکلات اخلاقی می شود؛ البته ممکن است در علم پیشرفت کند.
3. تعویض محیط: از مدرسه به خانه رفتن و یا از مدرسه های به مدرسه دیگر رفتن؛ اینها نمیکند که پایه های اخلاقی شکل بگیرد و توجه انسان به خود کم میشود. مثلاً اگر در تعطیلات طلبه مدت طولانی به خانه برود فرهنگ طلبگی از بین میرود؛ البته باید سر بزند، ولی مراقب باشد که حال و هوای طلبگی از بین نرود و بداند که همانجا هم طلبه است. در سالهای اول طلبگی رنگ و بوی اجتماعی کمرنگتر است. اجتماعی بودن درجات دارد؛ مثلاً میزان اجتماعی بودن در سال اول با سال نهم یکسان نیست؛ باید تدریجی باشد.
4. رفاقتها: باید هدایت، کنترل و نظارت در این زمینه باشد و الا باعث زمین خوردن انسان میشود؛ به خصوص در جوانترها. دوستی خوب است و فواید زیاد دارد، ولی دو مرز دارد:
- 1 به مقدمات گناه کمک نکند. - 2 برنامه طلبگی را به هم نریزد.
5. عدم رسیدگی به سلامت جسمانی: سلامت جسمانی در خلق و خو مؤثر است. این که انسان چه بخورد، چقدر بخورد، چقدر بخوابد، ورزش کند، اینها همه مؤثر است. البته تأثیر آن غیرمستقیم است، اول روی بدن و بعد در اخلاق تأثیر میگذارد.

آیا نمره محوری و مدرکگرایی آفت مباحث اخلاقی نیست؟

بله، این که طلبه در یک شب به خاطر نمره، خوشبخت یا بدبخت شود، از موانع است؛ منتها تأثیر آن غیر مستقیم است. مدرکگرایی اگر بد پیگیری شود، آثار بدی دارد؛ در اینصورت شعارهای اصلی حوزه که «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» است، از دست میرود. دکترا یا فوق لیسانس که گرفت، دیگر علم آموزی تمام میشود. البته برای معارف و شناسایی لازم است، ولی نه در این حدی که در دانشگاه وجود دارد و متأسفانه به حوزه هم کشیده شده است.

وظیفه حوزه های علمیه در زمینه اخلاق چیست؟

حوزه ها باید مثل کلاس های دیگر، مدرسین سالم و مقتدر در وادی اخلاق داشته باشند تا اخلاق مدارس را پوشش دهد. در اخلاق نباید مسامحه شود و نباید بگوییم: «انشاء الله اخلاق رعایت میشود.» مثل همه علوم دیگر باید پیگیری باشد. البته تلاش میشود ولی این تلاشها معادل تقاضایی که میشود نیست. اخلاق، طبق روایت حضرت رسول (ص) یک سوم همه علوم است. پس خیلی حساس است. در

هیچجایی نمیتوان جای اخلاق را خالی کرد. لذا امروزه اخلاق صنفی، اخلاق اداری، اخلاق پژوهشی و ... مطرح میشود؛ نمیتوانیم بگوییم اینجا جلسه علمی است و در آن به اخلاقکاری نداریم. حوزه در این زمینه دچار ضعف است. البته برخی از ضعفها به خاطر مسائل پیش آمده است. مثلاً در گذشته، این همه طلبه نداشتیم. اما در حال حاضر تعداد طلبهها بسیار زیاد شده و برنامه ریزی برای این کار بسیار مشکل می شود. باید عالمانه و با مشورت با افراد متخصص مسأله کثرت جمعیت را حل کرد. در جو عمومی حوزه، دغدغه اخلاق وجود دارد، ولی برنامه ریزی برای رسیدن به آن باید عالمانه تر صورت گیرد.

از حضور حضرتعالی در این مصاحبه متشکریم .